

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۰ اپریل ۲۰۲۳

مکتی بر حواشی آشتی "ملک سلمان و خامنه ای"!

یک شنبه - ۲۰ حمل ۱۴۰۲ کابل: یکی از مهمترین خبرهای روزها و هفته های اخیر منطقه، آشتی بین رژیم های مطلقه "ولایت فقیه" و "پادشاهی عربستان سعودی" است که با میانجیگری جمهوری خلق چین صورت گرفته است. در یادداشت امروز ضمن مکت کوتاهی بر حواشی این "آشتی کنان"، نگاه مختصری هم بر تأثیر آن بر افغانستان خواهیم داشت:

۱- این که مدنیت انگلوساکسون از همان بدو جهان کشائی یعنی از اواخر قرن ۱۵ و اوایل قرن ۱۶، در تمام بازه زمانی بیش از ۵۰۰ سال، کوشیده است با تکیه بر برتری نیروی بحری و تعمیم سیاست تفرقه افگانه بین تمام ملل جهان، آقائی و سروری خود را تأمین و دنیا را به کام خود بچرخاند، یکطرف مسأله است؛ مگر این که زمامداران و رهبران سایر ملل جهان آنقدر احمق و یا خود خواه و یا هم وطنفروش و خود فروش بوده اند که آگاهانه و یا نا آگاهانه به ساز نمایندگان این مدنیت در زمانش انگلستان و بعدها انگلستان و امریکا مشترکاً رقصیده به گفته مردم کابل "اتن پیشو مرینه" انداخته اند طرف دیگر مسأله است که حین یک بررسی تاریخی نباید از دیده پنهان بماند.

۲- در گیری و کشمکش های گاه خونین و زمانی هم بدون خونریزی بین رژیم های مطلقه در عربستان سعودی و ایران، هر چند از همان ابتدای سرقت انقلاب ایران به وسیله آنها آغاز یافت و یکی از دلایل آن، رقابت افسار گسیخته بین دو رژیم بر سر کسب جایگاه "قره نوکری" و یا ژاندارم و دست نشاندۀ ممتاز و نایب امپریالیسم امریکا در منطقه بود، مگر به مرور زمان دلایل بیشتر یافته، برای امپریالیسم امریکا و شرکاء بهترین فرصت را مساعد ساخت تا دار و نادر کشورهای منطقه را با دامن زدن به "ایران هراسی" از نزد زمامداران بغایت خودمرکز بین و طماع عرب به یغما ببرند و دو کشوری را که هریک از آنها ادعای رهبری بر بخشی از جهان اسلام را داشت، به مانند دو خروس و یا دو سگ جنگی به جان یک دیگر بیندازند و خود تماشا نمایند.

۳- در اینجا یکی از نکات قابل توجه این است که هر دو کشور یعنی هم عربستان سعودی و هم ایران، در حالی که ادعای رهبری بخشی از جهان اسلام را دارند، خود به قرآن پشت نموده احکام آن را زیر پای نموده اند. یعنی نه تنها حکم صریح قرآن را که مؤمنین را برادر یک دیگر می داند و دستور به مصالحه بین آنها می دهد، نادیده می گیرند حکم صریح دیگر قرآن را که می گوید وقتی بین تان [یعنی مؤمنان] اختلافی به وجود آمد به قرآن و رسول خدا مراجعه

نمائید، نیز نادیده می‌گیرند و به جای آن که به خدا، قرآن، رسول خدا و حتا کنفرانس کشورهای اسلامی مراجعه نمایند، از جمهوری خلق چین که گویا رژیم "کمونیستی" است، برای مصالحه کمک می‌گیرند.

۴- نفس نقش مقدم و سازنده جمهوری خلق چین برای آشتی دادن دو کشور مدعی رهبری جهان اسلام، به علاوه آن که توهینی است مستقیم به کنفرانس کشورهای اسلامی و اذعان صریح بر بیکارگی آنها، در واقعیت بیانگر آن است که اسلام و احکام آن در جهان کنونی حتا قادر نیست مشکلات درونی خودش را حل نماید تا چه رسد به این که به حل مشکلات جهانی بپردازد و رهنودی برای آینده بشریت داشته باشد.

یعنی نقشی را که جمهوری خلق چین و زمامداران آن در قسمت آشتی دادن عربستان سعودی "ملک سلمان" و ایران "خامنه ای" ایفاء نمودند، سیلی محکمی بود بر رخسار آلوده و چرکین مدنیت انگلوساکسون و دو نماینده برجسته آن امپریالیسم امریکا و امپریالیسم انگلیس به همین سان سیلی سختی بود بر رخسارهای پوسیده جهان اسلام، دلیل محکمی هم بود جهت اثبات این ادعا که حتا با سیاست های شبه کمونیستی نیز می توان جهان را از ورطه جنگهای هولناک و خونین نجات داد. برتری کمونیسم اصیل و واقعی باشد سرچایش.

۵- این آشتی هرگلاه سه دهه قبل صورت می گرفت یعنی زمانی که حاکمیت نوکران روس به حاکمیت نمایندگان ارتجاع هار مذهبی استحاله یافت، یعنی قبل از آن که جنگهای خونین در شهرکابل و سایر شهرهای کشور آغاز یابند، شاید می شد گفت بزرگترین برنده این آشتی مردم افغانستان می بودند. یعنی سگ جنگی های درونی جهادی ها صورت نمی گرفت، یعنی ۶۵ هزار تن از هموطنان ما تنها در شهر کابل به قتل نمی رسید، یعنی یک ارتش ۲۵۰ هزار نفری با تمام سازو برگ آن وبا هزاران تانک، زرهپوش، هلیکوپتر و طیارات بمب افکن و جنگی به یغما نمی رفت و نابود نمی شد، یعنی زیر ساخت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی محصول بیش از ۶۰ سال کار و پیکار توده های میلیونی نابود نمی شد. از همه مهمتر استخوان شکنی و برادرکشی بین اقوام با هم برادر افغانستان به وجود نمی آمد تا شون نیست های عظمت طلب و ناسیونالیستهای تنگ نظر و راسیست های تجزیه طلب بتوانند در پناه آن، وحدت و تمامیت ارضی کشور را به مخاطره بیندازند.

هموطنان گرامی!

هرچند این آشتی برای ما چیزی بیشتر از "خینه بعد از عید" نیست و خیلی دیر آمده است، با آنها امیدواریم حال این دو مدعی اسلام ناب محمدی که با میانجیگری گویا یک "کمونیست" با هم آشتی نموده اند و در کشور ما هم نوکران هر دو طرف در وضعیتی نیستند که باز هم بتوانند توده های میلیونی کشور را به جان یک دیگر بیندازند، این امکان مساعد گردد که با درس آموزی از اشتباهات گذشته به خصوص دنباله روی از کشور های خارجی که سرانجامی جز خیانت به کشور و خلق خود ما نداشته و ندارد، فرصت را غنیمت شمرده ضمن طی طریق در مسیر پیروزمند تاریخ، همه متحدانه بکوشیم تا طالب و نظام ملاسالار را که یکی از محصولات ویرانگر درگیری و تضاد بین رژیم ولایت فقیه و پادشاهی عربستان سعودی بود و است، از قدرت به زیر کشیده راهی گورستان تاریخ نمایم.

این را می باید بدانیم تنها بهره ای که هم اکنون می توانیم از آشتی بین دو قطب ارتجاع به نفع خود برداریم، مبارزه قاطع، پیگیر و براندازنده علیه طالب و نظام ملاسالار می باشد. در غیر آن دیر یا زود امپریالیسم امریکا و شرکاء از ضعف و ناتوانی طالب و نظام ملاسالار سود جسته، آنها را به جان بقیه کشور ها خواهد انداخت.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!
مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!